



دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گچساران

نشریه کارآفرینی در کشاورزی  
جلد دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴  
<http://jead.gau.ac.ir>

## مروری بر موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی

\*هادی مؤمنی هلالی<sup>۱</sup> و زینب مؤذن<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی کرج، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۳۱

### چکیده

مطالعات متعدد حاکی از آن است که از جمله راهکارهای مهم توسعه اقتصادی-چه در شهرها و چه در روستاها- ایجاد اشتغال و مهم‌ترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی است. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری افراد، منابع و در نهایت افزایش درآمد مردم جامعه می‌شود. اگرچه کارآفرینی تنها راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست؛ اما قطعاً بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است. چنانکه امروزه، نقش کارآفرینی به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی به‌طور گسترده‌ای توسط سیاستگذاران در بسیاری از کشورها- از جمله ایران- به رسمیت شناخته شده است. اما بر سر راه کارآفرینی کارآفرینان در کشور به‌طور عام و در بخش کشاورزی به‌طور خاص موانعی قرار دارد. در این تحقیق ضمن بحث و بررسی در خصوص تاریخچه کارآفرینی، مزایا و منافع کارآفرینی، مفهوم کارآفرینی و کارآفرین، به موضوع موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی به تفصیل پرداخته شد. نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که موانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، موانع اقتصادی، موانع پشتیبانی و حمایتی، موانع آموزشی و اطلاع‌رسانی، موانع زیرساختی و موانع فرهنگی عمده‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی می‌باشند. در پایان پیشنهادهایی جهت رفع موانع موجود بر سر راه کارآفرینی کارآفرینان ارائه گردید.

**واژه‌های کلیدی:** کارآفرینی، کارآفرین، منافع کارآفرینی، موانع توسعه کارآفرینی

\*مسئول مکاتبه: [hadi\\_moumeni@yahoo.com](mailto:hadi_moumeni@yahoo.com)

## مقدمه

امروزه، در نظریه‌های اقتصادی، به فعالیت‌های خودجوش اقتصادی در قالب کارآفرینی در مناطق روستایی توجه ویژه می‌شود. در همین زمینه، ورتمن اشاره می‌کند که توسعه اقتصادی و کارآفرینی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند (هریوت و کمپیل، ۲۰۰۲). در این میان، کشاورزی از بخش‌های پایه و اساسی اقتصاد روستا و کشور و زمینه‌ساز رشد و توسعه آن است. رشد و توسعه بخش کشاورزی، زمینه‌های لازم برای رشد و توسعه دیگر بخش‌ها را فراهم می‌سازد و بدون آن، عوامل و نهاده‌های لازم برای فعالیت سایر بخش‌های اقتصادی فراهم نمی‌شود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۲۰۱۰). از سوی دیگر در دهه‌های اخیر یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های مسئولان و متولیان امور، یافتن راه‌حلی برای مسئله بیکاری بوده است. به‌ویژه بخش کشاورزی که حجم و گستردگی آن در کشورهای در حال توسعه یک معضل به شمار می‌رود، که نیروی انسانی جویای کار بسیاری اعم از دانش‌آموخته و غیر دانش‌آموخته وجود دارد. تجارب دیگر کشورها به‌طور اعم و تجارب داخلی گذشته به‌طور اخص نشان داده است که از طریق سرمایه‌گذاری‌های متراکم و سنگین که تکیه اصلی بر واردات کالاها می‌گذارد و غالباً از منابع محلی کمتر بهره‌برداری می‌کند، امکان اشتغال‌زایی تنها برای تعداد معدودی از افراد وجود دارد و طبعاً این روند پاسخگوی جمعیت کثیر جویای کار در کشور نیست (حسینی و همکاران، ۲۰۱۰) و این خود عاملی جهت مهاجرت روستاییان به شهرها می‌شود. به‌همین دلیل، اتخاذ راهبرد اشتغال برای روستاییان با حمایت از سیاست‌های عمومی بر مبنای راهیابی سرمایه‌گذاری، اشتغال و خدمات به مناطق روستایی در برابر راهبرد اجبار مردم به انتخاب مهاجرت‌های اغلب ناخواسته (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۲۰۱۰) از ضروریات توسعه کشاورزی و به تبع آن توسعه روستایی به شمار می‌رود.

مطالعات مختلف نشان داده که از جمله راهکارهای مهم توسعه اقتصادی - چه در شهرها و چه در روستاها - ایجاد اشتغال و مهم‌ترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی است. نوپیشه‌سازی یا آنچه در فارسی به کارآفرینی مصطلح و متداول گردیده، رویکردی دیرینه است که در هیأتی تازه و نو گام به دنیای جدید علم نهاده و یکی از سازوکارهای توسعه قلمداد گردیده است. نوآوری، خلاقیت، مخاطره‌جویی و پیشه‌های نو ایجاد کردن از گذشته‌های دور وجود داشته است و در دهه‌های اخیر جامعه علمی برتن کرده و کارآفرینی نام گرفته است (الوانی، ۲۰۱۱). کارآفرینی باعث کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری افراد و منابع و در نهایت افزایش درآمد مردم جامعه می‌شود. اگرچه کارآفرینی تنها

راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست؛ اما قطعاً بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است. چنانکه امروزه، نقش کارآفرینی به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی به‌طور گسترده‌ای توسط سیاست‌گذاران در بسیاری از کشورها - از جمله ایران - به رسمیت شناخته شده است (نیمان، ۲۰۰۱؛ نیک‌رفتار، ۲۰۱۱؛ حسین‌پور و زراعی‌وش، ۲۰۱۰؛ کریمی و همکاران، ۲۰۱۲؛ خواجه‌نیا و راد، ۲۰۱۰). اما بر سر راه کارآفرینی کارآفرینان موانع و مشکلاتی وجود دارد که در ادامه ضمن بحث در خصوص کارآفرینی به موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی به تفصیل پرداخته می‌شود.

**سیر تاریخی کارآفرینی:** کارآفرینی مفهومی عینی و عملی است که هم‌زمان با آغاز زندگی انسان بر روی زمین و تلاش برای کسب درآمد و تأمین مایحتاج زندگی پا به عرصه وجود گذاشته است. اما طرح این مقوله به‌عنوان یک مفهوم علمی سابقه‌چندانی ندارد. اولین نویسنده برای به رسمیت شناختن نقش کارآفرینی ریچارد کانتیلون بود (هبرت و لینک، ۲۰۱۱). او در حدود سال ۱۷۳۰ میلادی با تقسیم عوامل اقتصادی به سه گروه مالکان زمین، عوامل اقتصادی دستمزد بگیر و آن دسته از عوامل اقتصادی که ضمن قبول ریسک در بازار فعالیت می‌کنند، برای اولین بار کارآفرین را به‌عنوان یکی از عوامل مطرح در توسعه فعالیت‌های اقتصادی مطرح کرد. پس از وی ژوزف شومپیتر اقتصاددان برجسته اوایل قرن بیستم، کارآفرینی را به‌عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی معرفی کرده و به بررسی جنبه‌های مختلف آن پرداخت. مطالعات او در مورد توسعه اقتصادی و کارآفرینی، تأثیر به‌سزایی بر تحقیقات بعدی، داشته است، به نحوی که وی را پدر علم کارآفرینی می‌نامند. تا این‌که در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی، در نتیجه تحولات شدید ساختاری محیط فعالیت‌های اقتصادی که مشخصه اصلی آن، عدم قطعیت در شناخت نتایج و پیامدهای این تغییرات بود، مجدداً توجه به مفاهیم کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک با اقبال دانشمندان رشته‌های مختلف علمی هم چون اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت قرار گرفت. در واقع شکل‌گیری و توسعه علم کارآفرینی در این زمان، تلاشی نظام یافته برای تبیین، تشریح و پیش‌بینی موفقیت در تأسیس سازمان‌های سازگار با شرایط محیطی متلاطم و غیرقابل پیش‌بینی دهه‌های اخیر محسوب می‌شود (سعیدی مهرآباد و مهتدی، ۲۰۰۸). به‌طور کلی دوره‌های اساسی تحول مفهوم کارآفرینی به پنج دوره شامل مراحل ذیل تقسیم می‌شود:

دوره اول: قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی مشهور به دوره "صاحبان پروژه‌های بزرگ" بود. این دوره هم‌زمان با دوره قدرتمندی ملاکین و حکومت‌های فئودالی در اروپا است. در این دوره کارآفرین کسی است که

مسئولیت اجرای پروژه‌های بزرگ را بر عهده می‌گیرد و البته در این راه مخاطره‌ای را نمی‌پذیرد، زیرا عموماً منابع توسط حکومت محلی تأمین می‌شود و او صرفاً مدیریت می‌کند. نمونه بارز کارآفرین در این دوره معماران مسئول ساخت کلیسا، قلعه‌ها و تأسیسات نظامی بودند.

دوره دوم: قرن ۱۷ میلادی مشهور به دوره "مخاطره‌پذیری" بود. در این دوره همزمان با شروع انقلاب صنعتی بعد جدیدی به کارآفرینی یعنی مخاطره‌پذیری اضافه شد. کارآفرین در این دوره کسانی نظیر بازرگانان، صنعتگران و دیگر مالکان خصوصی بودند.

دوره سوم: قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی و اوایل قرن بیستم که مشهور به دوره "تمایز کارآفرینان از دیگر بازیگران صحنه اقتصاد" بود. در این دوره، ابتدا کارآفرین از تأمین کننده سرمایه متمایز گردید. یعنی کسی که مخاطره می‌کند با کسی که سرمایه را تأمین می‌کند، متفاوت است. همچنین در این دوره میان کارآفرین و مدیر کسب و کار نیز تفاوت گذارده شد.

دوره چهارم: دهه‌های میانی قرن بیستم به دوره "نوآورین" شهرت یافت. مفهوم نوآوری در این دوره به‌جزء اصلی تعریف کارآفرینی تبدیل شد. کارآفرینان کسب و کاری جدید را شروع می‌کنند در حالی که دیگران برخلاف آنان در محصولات موجود تغییرات اندکی می‌دهند. اضافه شدن این مفهوم به دلیل افزایش رقابت در بازار محصولات و تلاش در استفاده از نوآوری برای ایجاد مزیت رقابتی در کسب و کارهای موجود و بقای آنهاست.

دوره پنجم: دوران معاصر (از ۱۹۸۰ تاکنون) که به "رویکرد چند جانبه" شهرت یافت. در این دوره همزمان با موج جدید ایجاد کسب و کارهای کوچک و رشد اقتصادی و شناخته شدن کارآفرینی به‌عنوان تسریع کننده این سازوکار، توجه زیادی به این رشته جلب شد. تا این زمان کارآفرینی فقط از دیدگاه محققان اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گرفت، ولی در این دوره توجه جامعه‌شناسان و روانشناسان نیز به این رشته معطوف گردید. عمده توجه این محققان بر شناخت ویژگی‌های کارآفرینان و علل حرکت فرد به سوی کارآفرینی است (صالحی‌امیری و شاه‌حسینی، ۲۰۱۰).

**مزایا و منافع کارآفرینی:** کارآفرینی دارای مزایا و منافع فراوانی می‌باشد. از جمله مهمترین آنها عبارتند از:

کارآفرینی عامل ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری است.

کارآفرینی عامل تحریک و تشویق حس رقابت است.

کارآفرینی عامل تغییر و نوآوری است.

کارآفرینی باعث ایجاد اشتغال می‌شود.

کارآفرینی کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد.

کارآفرینی موجب توزیع مناسب درآمد می‌شود.

بنابر منافع مذکور، امروزه در تمام سرمایه‌گذاری‌های دنیا سعی بر این است که مغزهای متفکر صنعتی را شناسایی و جذب کنند به دلیل این‌که دنیای امروز، جهان علم و تکنولوژی است و ارزش اصلی تولید در مغز انسان‌ها نهفته است (فریدون‌نژاد، ۲۰۱۳).

**مفهوم کارآفرینی و کارآفرین:** امروزه، کارآفرینی واژه‌ای مشترک برای بسیاری از مردم، موضوعی با جایگاه ممتاز و برجسته در دستورکار محققان در انواع زمینه‌ها و رشته‌ها از جمله اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی از ابتدای دهه ۱۷۷۰ است. کارآفرینی موضوعی است که توجه زیادی از مردم از تمام طبقات جامعه از زندگی و شغل‌ها از جمله محققان، مربیان، محققان و سیاستگذاران را برانگیخته است (موکایا، ۲۰۱۲). واژه کارآفرینی بیش از دو قرن است که در ادبیات مدیریت و اقتصاد وارد شده و مانند سایر واژه‌ها تغییرات زیادی را به خود گرفته و از رشد تکاملی برخوردار بوده است. ولی هنوز وفاق عمومی درباره کارآفرینی در سطوح بین‌المللی وجود ندارد. البته استنباط رایج و اشتباه از واژه کارآفرینی این است که کارآفرین کسی است که ایجاد شغل می‌کند اما چنین نیست (پیکری‌فر و مه‌نگار، ۲۰۱۲).

به‌طور کلی واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی **Entreprene** به معنای "متعهد شدن" نشأت گرفته است. طبق واژه‌نامه دانشگاهی و بستر، کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطرات یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند (احمدپور، ۲۰۰۲).

بنیاد کلمن (۲۰۱۴) کارآفرینی را خوداشتغالی از طریق مالکیت کسب و کار که عناصر قابل توجهی از خطر، کنترل و پاداش را به‌همراه دارد، می‌داند.

فریدون‌نژاد (۲۰۱۳) کارآفرینی را فرآیند خلق چیزی جدید و پذیرش مخاطرات و سود حاصل از آن تعریف می‌کند. به‌عبارت دیگر، کارآفرینی فرآیند خلق چیزی جدید و باارزش است که با اختصاص زمان و تلاش لازم و در نظر گرفتن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی و رسیدن به رضایت فردی، مالی و استقلال به ثمر می‌رسد. این تعریف دارای چهار جنبه اساسی است: ۱- کارآفرینی مستلزم فرآیند خلق است. خلق هر چیز ارزشمند و جدید. این خلق باید برای کارآفرین و مخاطبی که این خلق برای او انجام شده است، ارزش داشته باشد. ۲- کارآفرینی مستلزم وقف زمان و تلاش کافی

است. ۳- در نظر گرفتن ریسک‌های اجتناب‌ناپذیر لازمه کارآفرینی است. ۴- در کارآفرینی، رضایت شخصی از استقلال کاری به وجود می‌آید.

چند جنبه مشترک در همه تعاریف کارآفرینی وجود دارد: ریسک‌پذیری، خلاقیت، استقلال و پاداش (فریدون‌نژاد، ۲۰۱۳).

ورتانن (۲۰۰۶) با تأکید بر کارآفرین به‌عنوان نقش‌آفرین اصلی در فرآیند، کارآفرینی را چنین تعریف می‌کند:

کارآفرینی فرآیندی است پویا که به‌وسیله فردی (کارآفرین) که برای بهره‌برداری از نوآوری اقتصادی جهت خلق ارزش جدید در بازار، تلاش می‌کند، ایجاد و مدیریت می‌شود. کارآفرین شخصی است که ذهن کارآفرینانه همراه با نیاز قوی به موفقیت دارد. این افراد دارای شبکه‌های روابط اجتماعی مؤثر و گسترده بوده و از هوش عاطفی بالایی برخوردارند. اتکا به نفس و خودباوری، احساس توانایی تغییر آینده، تسلط بر سرنوشت خود و افقی بلند مدت است و شکست‌های کوتاه‌مدت را برای نیل به پیروزی‌های بلند مدت می‌پذیرند (مولر و توماس، ۲۰۰۰).

پیکل و ابراهامسون (۱۹۹)، بیان می‌دارند که کارآفرین کسی است که نوعی کسب و کار را سازماندهی و مدیریت می‌کند و برای کسب سود، ریسک را تحمل می‌کند. کارآفرین فرصت‌های درک شده را ارزیابی کرده و برای اتخاذ تصمیم‌هایی که شرکت را در تحقق رشد پایدار قادر خواهد ساخت، تلاش می‌کند.

کارآفرین دیدی متفاوت با دیگران دارد و آنچه را سایرین عادی و معمولی می‌بینند او متفاوت و به گونه‌ای دیگر می‌بیند و تصویر می‌کند. در مجموع می‌توان گفت کارآفرینی فرآیندی است که فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناسایی فرصت‌های جدید با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار و شرکت‌های نو، سازمان‌های جدید، نوآور و رشد یابنده کرده که توأم با پذیرش مخاطره و ریسک بوده و منجر به معرفی، توسعه محصول یا خدمت جدیدی به جامعه می‌شود (رضوانی و نچارزاده، ۲۰۰۸).

در مقوله کارآفرینی کشاورزی فرانکوئیس کواسنای و نیکلاس بود و زمین را یگانه سرچشمه ثروت می‌دانند و کشاورزان را کارآفرین می‌خوانند و برای کارآفرینان، جایگاهی ویژه قائل‌اند. از آنجا که کشاورزی مهمترین زمینه تأمین معاش روستاییان فقیر است و علاوه بر آن، نقشی مهم در تولید و اشتغال مولد دارد، در شرایط کنونی اقتصاد ایران با ویژگی‌هایی بارز همچون بیکاری، عدم تحرک، و

محدودیت سرمایه‌گذاری، مدیریت تحرک‌بخشی و سرمایه‌گذاری، اهمیت این رسالت دوچندان می‌شود، چرا که تقویت کشاورزی و ایجاد تغییر در تولیدات کشاورزی و منابع طبیعی به ایجاد اشتغال‌های غیرکشاورزی، افزایش درآمد و افزایش تقاضا برای کشاورزی محلی و تولیدات غیرکشاورزی منجر خواهد شد. در نتیجه، کارآفرینان کشاورزی می‌توانند با شناخت درست از فرصت‌ها و بهره‌گیری از سرمایه‌های راکد، امکاناتی را فراهم آورند و با سازمان‌دهی و مدیریت منابع، ایده‌های خود را عملی سازند و در این حرکت و فرآیند، نه تنها خود بیکار نمی‌مانند بلکه در بخش غیردولتی و بدون اتکا به دولت، برای تعداد دیگری نیز شغل می‌آفرینند. کارآفرینان بخش کشاورزی با بهره‌گیری از نیرویی که در خود برای حل خلاقانه مسایل، مخاطره‌پذیری، تحمل مشکلات، و نکاتی از این دست سراغ دارند، می‌توانند به زیرکی و ظرافت و با سرعت هرچه تمام‌تر، تهدیدات و تنگناهای محیطی را تبدیل به فرصت کنند و در شرایطی سخت و پیچیده مانند توسعه پرشتاب فناوری، جهانی شدن و اقتصاد چند ملیتی، به کشف و بهره‌برداری فرصت‌هایی جدید پردازند که نفع خود آن‌ها و سرانجام نیز رفع تنگناهای جامعه روستایی را در پی خواهد داشت (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۲۰۱۰).

**موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی:** موضوعی که درباره اهمیت کارآفرینی و ارتباط مستقیم آن با اعتلای ملی یک جامعه باید جدی تلقی شود، آن است که به رغم همه اهمیتش در جامعه ایران متأسفانه مورد غفلت واقع شده و به آن توجه درخور نشده است و آن چیزی نیست جز اهمیت دادن به نقش کارآفرینی روستایی و کارآفرینان ساکن در محیط‌های روستایی. اگر ما روستاها را محورهای راهبردی کشاورزی و تولیدات و فرآورده‌های غذایی جامعه که نیاز به آن رو به تزاید گذاشته است، بدانیم به نقش بی‌نظیر آن در پیشرفت، رشد و شکوفایی پی خواهیم برد و درک خواهیم کرد که نادیده گرفتن سهم روستا و روستانشینان هزینه‌ها و تبعات ناگواری را در پی خواهد داشت. آن چه امروزه تحت عنوان معضلات اجتماعی - اقتصادی در جامعه وجود دارد و باعث بی‌نظمی‌ها و اضطراب‌های اجتماعی در اشکال مختلف به‌ویژه ناامنی، ناهنجاری‌های رفتاری، کج خلقی‌های اجتماعی، بداخلاقی‌ها و بروز پدیده‌های شومی هم‌چون رشد بی‌رویه مهاجرت، افزایش میزان حاشیه‌نشینی در اطراف کلان شهرها و بسیاری مشکلات دیگر می‌باشد؛ نمونه‌ای از این پیامدها است (قمبرعلی و زرافشانی، ۲۰۰۸). علیرغم مزایا و منافع که فعالیت‌های کارآفرینانه و کارآفرینی در بخش‌های مختلف تولیدی و همچنین بخش کشاورزی کشور دارد، اما موانعی وجود دارد که باعث ایجاد اصطحکاک در توسعه

فعالیت‌های کارآفرینانه و تا حد زیادی مانع از رونق بخش کشاورزی می‌شود. لذا به تفصیل موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی در ذیل مورد بحث قرار گرفت.

**مانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی:** دولت‌ها با فراهم نمودن شرایط و تسهیلات لازم برای شروع فعالیت کارآفرینان نقش مؤثری در توسعه کارآفرینی می‌توانند، ایفا نمایند. علی‌رغم اهمیت کارآفرینی در توسعه اقتصادی و اشتغال در کشور، تاکنون ساختار و مدیریت منسجم برای سیاست‌گذاری شکل نگرفته و مجموعه اقدامات انجام شده به‌صورت پراکنده در حوزه‌های مختلف از جمله کشاورزی پیگیری می‌شود (ویستا، ۲۰۱۵). در راستای سیاست‌گذاری نامناسب در جهت توسعه کارآفرینی می‌توان به موانعی همچون مقررات دست و پاگیر اخذ وام‌های بانکی، قوانین دست و پاگیر صادرات محصولات، عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، عدم هماهنگی لازم بین ادارات و سازمان‌های ذیربط در امر صادرات محصولات، بی‌ثباتی در سیاست‌های دولت، نامناسب بودن سیاست‌های ارزی دولت، ضعف نظام بیمه‌ای، محدودیت‌های قوانین کار (مراکزآادی و همکاران، ۲۰۰۷) شناخت پایین دانشگاه از نیازها و اولویت‌های بخش کشاورزی و صنعت، توجه ناکافی به کارآفرینی در سیاست‌گذاری‌های کلان دانشگاه، توجه نکردن به پرورش خلاقیت و نوآوری در دانشجویان کشاورزی، نبود برنامه جامع توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشاورزی (کریمی و جوهری، ۲۰۱۳) اشاره نمود.

**مانع اقتصادی:** در راستای محدودیت‌های اقتصادی در جهت توسعه کارآفرینی می‌توان موانعی همچون کمبود نقدینگی و فقدان سرمایه کافی، عدم حمایت بانک‌ها و موسسات مالی از واحدهای تولیدی، بهره بالای وام‌های بانکی، نوسان زیاد قیمت محصولات، بالابودن تعرفه‌های حمل و نقل، قیمت‌های بالای تجهیزات کشاورزی (مراکزآادی و همکاران، ۲۰۰۷) را نام برد.

**مانع پشتیبانی و حمایتی:** محدودیت‌ها و موانع پشتیبانی و حمایتی همچون عدم دسترسی به نهاده‌های تخصصی، عدم وجود بعضی از تجهیزات تخصصی، نبود دسترسی به موقع به سوخت (مراکزآادی و همکاران، ۲۰۰۷)، بی‌اعتمادی بخش کشاورزی و صنعت به توانمندی‌های دانش‌آموختگان، ضعف مراکز کارآفرینی در دانشگاه، نبود حمایت کافی از طرح‌ها و ایده‌های دانشجویی از سوی دانشگاه، دیدگاه نامناسب جامعه به بخش کشاورزی، انجام ندادن پژوهش‌های کاربردی در زمینه توسعه کارآفرینی (کریمی و جوهری، ۲۰۱۳) توسعه کارآفرینی را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد.

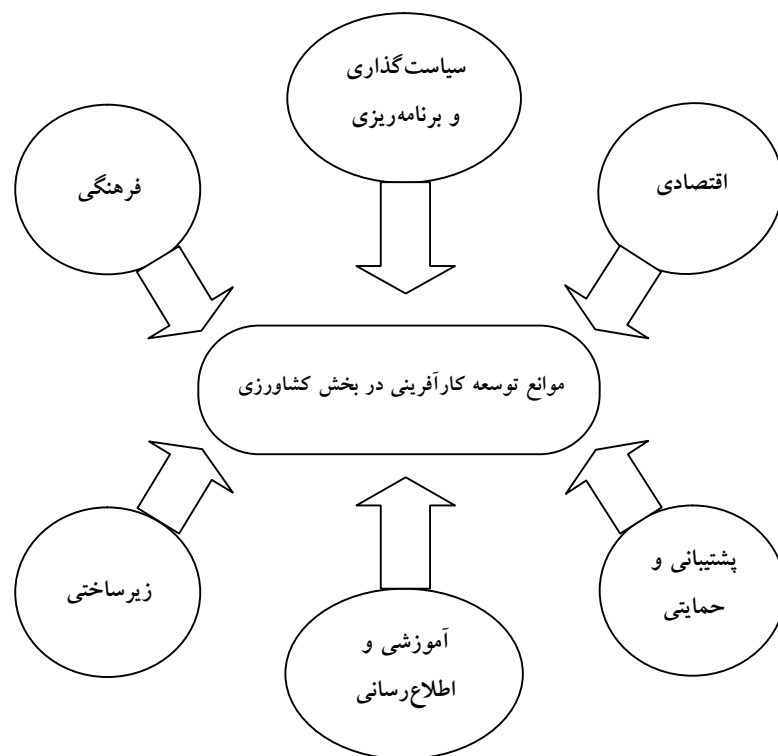
**مانع آموزشی و اطلاع‌رسانی:** موانعی همچون عدم وجود خدمات مشاوره‌ای مناسب، عدم وجود برنامه‌های آموزشی - ترویجی در مورد نحوه صادرات، عدم اطلاع کافی در مورد چگونگی صادرات



محصولات، فقدان اطلاعات کافی از بازارهای داخلی (مرادنژادی و همکاران، ۲۰۰۷)، نبود آموزش‌های مهارت‌های کارآفرینانه (کریمی و جوهری، ۲۰۱۳، مرادنژادی و همکاران، ۲۰۰۷)، توجه نکردن کافی به دروس کارآموزی و کارورزی دانشجویان کشاورزی، پایین بودن سطح دانش مدیریتی (کریمی و جوهری، ۲۰۱۳) در ارتباط با موانع آموزشی و اطلاع‌رسانی قابل ذکر می‌باشد.

موانع زیرساختی: عدم وجود تعاونی‌ها و تشکل‌ها، عدم وجود سردخانه برای نگهداری محصولات تولیدی، ضعف در سیستم حمل و نقل، عدم وجود مراکز تحقیقاتی مناسب، عدم وجود سیستم‌های مکانیزه بسته‌بندی (مرادنژادی و همکاران، ۲۰۰۷) را می‌توان در غالب موانع زیرساختی نام برد.

موانع فرهنگی: از جمله موانع فرهنگی توسعه کارآفرینی حاکمیت فرهنگ دلالی و واسطه‌گری، رابطه‌مداری در توزیع نهاده‌ها و اعتبارات (مرادنژادی و همکاران، ۲۰۰۷) نبود فرهنگ کارگروهی و تیمی، دشواری فعالیت‌های کشاورزی در مقایسه با سایر زمینه‌های شغلی، نبود فرهنگ‌سازی مناسب در زمینه‌ی کارآفرینی در سطح دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشاورزی (کریمی و جوهری، ۲۰۱۳) می‌باشد.



شکل ۱- موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی.

## نتیجه گیری

کارآفرینی موتور رشد اقتصادی و نماد اصلی نوآوری در یک کشور است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۶). هر کارآفرین دارای خصوصیات شخصیتی و انگیزه‌های خاصی است که وی را از سایرین متمایز و ممتاز می‌سازد. خصوصیات مشترکی که در اغلب کارآفرینان مشاهده می‌شود ناشی از سوابق خانوادگی، توانمندی‌های ذاتی و چگونگی تعلیم و تربیت آن‌هاست. آنان هوش و مهارت‌های تحلیلی بالایی دارند، قدرت مواجهه با ریسک و تحمل شکست را دارا می‌باشند. کارآفرینان از نااطمینانی‌ها هراس ندارند، از هنجارهای موجود پا فراتر می‌نهند و سنت‌شکن، نوآور، خلاق و آفریننده هستند. اعتماد به نفس بالا، استفاده از روش‌های رسمی و غیررسمی برای آموختن تازه‌ها، از ویژگی‌های کارآفرینان است. همچنین آنان راه تفاهم با دیگران، پذیرش اندیشه‌های مخالف و روش زندگی در شبکه‌ها را به‌خوبی می‌دانند و دارای ارتباطات قوی با دیگرانند (الوانی، ۱۳۹۰). اما موانعی بر سر مسیر پر فراز و نشیب کارآفرینان در کارآفرینی وجود دارد که گاهی آن‌ها را برای رسیدن به هدف باز می‌دارد. مهمترین این موانع عبارتند از: مانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، مانع اقتصادی، مانع پشتیبانی و حمایتی، مانع آموزشی و اطلاع‌رسانی، مانع زیرساختی و مانع فرهنگی. با توجه به موانع پیش‌رو، پیشنهادهایی جهت تسهیل توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی ارائه می‌گردد.

تدوین استراتژی‌های کارآفرینی و تدوین اهداف کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت کارآفرینی در بخش کشاورزی.

اتخاذ قوانین مرتبط با فرآیندهای کارآفرینی در بخش کشاورزی.

اتخاذ تدابیری جهت کاهش موانع اداری در فرآیندهای کارآفرینی در بخش کشاورزی.

درگیر نمودن تمامی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اصلی دولتی / خصوصی با تأسیس واحدهای

مدیریت کارآفرینی در بخش‌های کشاورزی.

اصلاح قوانین مالیاتی مرتبط با کارآفرینان.

تأسیس صندوق‌های حمایت از کارآفرینان در بخش کشاورزی.

فراهم کردن تسهیلات و کمک‌های مالی از طریق اعطای ماشین‌آلات و ابزار، طرح‌های تخفیف

مالیاتی بر وام، ایجاد زمینه‌های مناسب و حمایت برای کمک به صادرات محصولات تولید شده توسط

کارآفرین.

ایجاد و تقویت مراکز مشاوره‌ای و برگزاری دوره‌های آموزشی- مشاوره‌ای در دانشگاه‌ها و در بخش‌های مختلف کشاورزی، پخش مستمر برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی کارآفرینی که مرجع آموزشی و اطلاع‌رسانی مناسبی برای توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی فراهم می‌شود. اطلاع‌رسانی شفاف از خدمات و برنامه‌های حمایتی دولت به کارآفرینان. برگزاری نمایشگاه‌های دستاوردهای کارآفرینانه کشاورزی (شهرستانی، استانی، منطقه‌ای و کشوری).

### منابع

1. Ahmadpour Daryani, M. 2002. Entrepreneurship. Fourth Edition, Peris Publication, Tehran. (In Persian)
2. Alvani, S.M. 2011. Entrepreneurship, synergy individuals, society and culture. Business and Society, 134: 5-9. (In Persian)
3. Coleman Foundation. 2014. Entrepreneurship Education. Available Online at: [http://www.colemanfoundation.org/what\\_we\\_fund/entrepreneurship/overview.html](http://www.colemanfoundation.org/what_we_fund/entrepreneurship/overview.html).
4. Danaei Fard, H., Furohi, M., and Salehi, A. 2007. The promotion of entrepreneurship in Iran: An Analysis of the Role of Government. Iranian Journal Trade Studies, 42: 221- 262. (In Persian)
5. Feridonjad, R. 2013. Explore opportunities, creating wealth through entrepreneurship and value creation. Set ebook knowledge and life, Pars Book Publication. (In Persian)
6. Ghambar Ali, R., and Zarafshani, K. 2008. Identify indicators of successful rural entrepreneurs using multidimensional scaling analysis. Entrepreneurship Development, 1(2): 131-160. (In Persian)
7. Hosseinpour, D., and Zareivash, F. 2010. Pattern of organizational entrepreneurship: A Case Study of General Department of Cooperation in Tehran. Ta'avon Journal, 21(4): 171-194. (In Persian)
8. Hebert, R.F., and Link, A.N. 2011. International Journal of Business and Social Science (Special Issue), 2(9): 241-242.
9. Heriot, K.C., and Campbell, N.D. 2002. A new approach to rural entrepreneurship: a case study of two rural electric cooperatives. Available at: <http://usasbe.org/knowledge/proceedings/proceedingsDocs/USASBE2005PROCEEDINGS-hERIOT%2030.pdf>.
10. Hosseini, S.M., Farajolah Hosseini, S.J., and Soleimanpour, M.R. 2010. An Identification and Analysis of Hindering Barriers of Entrepreneurship in Higher Agricultural Education as Perceived by Graduate Students. Iranian Journal of Agricultural Economics and development Research, 2-41(3): 359-368. (In Persian)

11. Karimi, A., and Johari, H. 2013. Identifying inhibitory factors of entrepreneurship development from the perspective of post graduate students (Case Study: agricultural colleges in Tehran. *Entrepreneurship Development*, 6(4): 151-167. (In Persian)
12. Karimi, S., Biemans, H., Chizari M., and Mulder M. 2011. The effect of cultural and environmental factors on Agriculture students' entrepreneurial intentions. *Entrepreneurship Development*, 5(3): 105-124. (In Persian)
13. Khajeian, D., and Rad, S.S. 2010. The formulation of model navigator of urban management for the development of entrepreneurship. *Journal of Urban Management*, 2(3): 119-132. (In Persian)
14. Moradnezehadi, H., Shabanali Fami, H., Hosseini, S.M., and Kafi, M. 2007. Analysis of the barriers to entrepreneurship development in greenhouse production units in Iran. *Iranian Agricultural Sciences Journal*, 38-2(2): 175-184. (In Persian)
15. Mokaya, S.O., Namusonge, M., and Sikalieh, D. 2012. The Concept of Entrepreneurship; in pursuit of a Universally Acceptable Definition. *International Journal of Arts and Commerce*, 1(6): 128-135.
16. Mueller, S.L., and Thomas, A.S. 2000. Culture and entrepreneurial potential: A nine country study of locus of control and innovativeness, *Journal of Business Venturing*, 16: 51-75.
17. Nieman, G. 2001. Training entrepreneurs and small business enterprises in South Africa: a situational analysis. University of Pretoria. Available at: [http://repository.up.ac.za/bitstream/handle/2263/4273/Nieman\\_Training%282001%29.pdf?sequence=1](http://repository.up.ac.za/bitstream/handle/2263/4273/Nieman_Training%282001%29.pdf?sequence=1)
18. Nik Raftar, T. 2011. The effect of personal and social competencies on the entrepreneurial personality (Case Study: Tosee Saderat Bank staff). *Entrepreneurship Development*, 4(14): 125-143. (In Persian)
19. Pickle, H.B., and Abrahamson, R.L. 1990. *Small Business Management*. John Wiley and Sons, Inc.
20. Rezvani, M.R., and Najjarzadeh, M. 2008. The analysis of villagers the field of entrepreneurship the development process in rural areas (Case Study: Isfahan city), *Entrepreneurship Development*, 1(2): 161-182. (In Persian)
21. Roknedineftekhari, A., Sajasi Gheidari, H., and Razavi, S.H. 2010. Agricultural entrepreneurship development strategies in rural areas: case study villages Khodabandeh city. *Journal of Village and Development*, 13(3): 1-29. (In Persian)
22. Saeedi Mehrabad, M., and Mohtadi, M.M. 2008. The impact of entrepreneurship education on the development of entrepreneurial behavior (Case Study: Entrepreneurship Education Ministry of Labor and Social Affairs). *Entrepreneurship Development*, 1(2): 57-73. (In Persian)

23. Salehi Amiri, S., and Shah Hosseini, A. 2010. Study of entrepreneur characteristics and effectiveness of some managers of The Islamic Azad University. *Journal of Cultural Management*, 4(10): 16-32. (In Persian)
24. Vertanen, M. (2006). Entrepreneurship as a field of Science. *YRITTAJYYS TIEENALANA*, 17.10-13.12.
25. Vista. 2015. Mechanisms to manage the development of entrepreneurship in the country. available at: <http://vista.ir/article/280073/> (retrieved 3 July 2015). (In Persian)



Gorgan University of Agricultural  
Sciences and Natural Resources

*Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 2(1), 2015*  
<http://jead.gau.ac.ir>

## **A Review of Barriers to Entrepreneurship Development in the Agricultural Sector**

**\*H. Moumenihelali<sup>1</sup> and Z. Moazen<sup>2</sup>**

<sup>1</sup>Member of Young Researchers and Elite Club, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran, <sup>2</sup>Ph.D. Student of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture and Natural Resources Karaj, Tehran University, Tehran, Iran

Received: 4/7/2015 ; Accepted: 22/8/2015

### **Abstract**

Several studies show that one of the major solutions for economic development, both of cities and villages is job creation and most important mechanisms and tools for employment is entrepreneurship. Entrepreneurship makes reduce unemployment, increase personnel productivity and resources and ultimately increase revenue for people in the society. Although entrepreneurship is not the only way for creating jobs and increasing incomes of rural people, but it is certainly the best type and productive type of it. As of today, the role of entrepreneurship as an engine of economic was recognized widely by policy-makers in many countries- including Iran, was recognized. But there are many obstacles in the way entrepreneurship entrepreneurs in the country in general and in the agricultural sector particularly. In this study, in addition to the discussion of entrepreneurial history, advantages and benefits of entrepreneurship, the concept of entrepreneurship and entrepreneur, the barriers to entrepreneurship development in the agricultural sector was discussed in detail. The results of this study show that policy-making and Planing, economic, support, education and information, infrastructural and cultural are major barriers to development of entrepreneurship in the agricultural sector. Finally some recommendations to the removing barriers to entrepreneurship, the entrepreneurs were presented.

**Keywords:** Entrepreneurship, Entrepreneur, Entrepreneurship Benefits, Entrepreneurship Development Barriers

---

\*Corresponding author: [hadi\\_moumeni@yahoo.com](mailto:hadi_moumeni@yahoo.com)